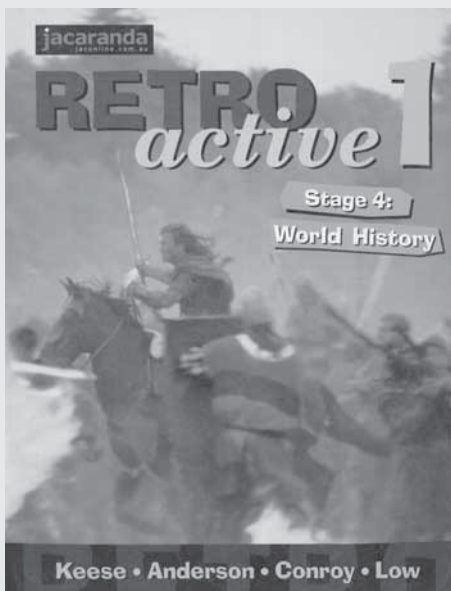


تاریخ چیست و مورخ کیست؟



تألیف: مارین آندرسون
ترجمه: دکتر نصرالله صالحی

اشاره

متن حاضر ترجمه‌ی مقدمه‌ی کتاب «تاریخ جهان» است که برای دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۸ ساله مدرسه‌های استرالیا نگارش یافته است. این کتاب که در ۱۳ فصل و ۳۳۲ صفحه، در قطع بزرگ با کاغذ گلاسه و تصویرهای رنگی بسیار زیبا، در سال ۱۹۹۹ انتشار یافته است، چهار مؤلف دارد. در مقدمه‌ی فصل اول آن، راجع به تاریخ و مورخ بحث‌های دقیق و مفیدی ارائه شده است. از آن‌جا که این بحث‌ها برای دبیران محترم آموزش تاریخ (به ویژه کتاب تاریخ شناسی) می‌توانند مطلوب و مفید باشند، بر آن شدیم تا ترجمه‌ی مقدمه‌ی آن را در مجله‌ی «رشد تاریخ» ارائه دهیم. لازم به یادآوری است که در سال جاری، دو تن از استادان آموزش تاریخ کشور استرالیا به دعوت «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» برای برگزاری یک کارگاه آموزشی به ایران آمده بودند که در حاشیه‌ی برگزاری کارگاه مزبور، گفت‌وگویی با آن‌ها صورت گرفت و در شماره‌ی ۲۲ مجله‌ی رشد تاریخ منتشر شد.

تاریخ چیست؟

تاریخ عبارت است از آموختن گذشته برای فهمیدن زمان حال. شناخت زندگی مردمان در زمان‌ها و مکان‌های دیگر به ما کمک می‌کند تا درک درستی از هویت خودمان به دست آوریم. کسی که به

تاریخ می‌پردازد، مثل کارآگاهی است که با طرح پرسش‌ها و جمع‌آوری اطلاعات و بررسی شواهد و مدارک، می‌کوشد تا گذشته را از نو بازسازی کند.

توضیحی در باره‌ی تعریف تاریخ

تاریخ عبارت است از تجربه‌های زندگی مردمان در روزگاران گذشته. وقتی که ما تاریخ می‌خوانیم، در واقع می‌آموزیم که:

- مردم در گذشته چه می‌کرده‌اند؟
- چه احساسی داشته‌اند؟
- برای [انجام] اعمال خود چه دلایلی داشته‌اند؟
- نتیجه‌ی اعمال و اقداماتشان چه بوده است؟

در تاریخ، هم می‌توان به مطالعه‌ی زندگی افرادی که در وقایع گذشته نقش مهمی داشته‌اند، و هم به مطالعه‌ی زندگی توده‌های مردم و تجربه‌هایی که در زندگی روزمره داشته‌اند، پرداخت.

تاریخ

[گفتیم که] تاریخ عبارت است از آموختن گذشته برای فهمیدن زمان حال. وقتی که ما درباره‌ی گذشته می‌آموزیم، در واقع می‌کوشیم تا از روابط میان افراد و گروه‌ها در گذشته آگاه شویم. برای مثال در می‌یابیم که آن‌ها چگونه زندگی می‌کرده‌اند، چگونه حکومتی داشته‌اند، از چه اعتقاداتی برخوردار بوده‌اند، و این که چرا دچار برخورد و کشمکش می‌شده‌اند. ما با مطالعه‌ی تاریخ می‌فهمیم که چگونه زندگی مردم و اعمالشان تحت تأثیر اوضاع سیاسی و مسائل اقتصادی بوده است. و نیز، تا چه حد متأثر از نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده است. شناخت حاصل از مطالعه‌ی تاریخ به ما کمک می‌کند تا بفهمیم، چگونه فرهنگ‌ها و جوامع پیشرفت کرده و به وضعیت امروزی رسیده‌اند.

ما همچنین از تاریخ می‌آموزیم که مردم در روزگاران گذشته، همیشه ارزش‌ها و نگرش‌های یکسانی نداشته‌اند. در طول تاریخ، دنیای ما بارها تغییر و تحول یافته است. بعضی تغییرها موجب بروز ترقی و پیشرفت در زندگی انسان‌ها شده و بعضی نیز موجب پسرفت و بدتر شدن وضع جهان شده‌اند. به صراحت می‌توان گفت که زندگی امروزی ما حاصل کارها و اقدامات مردمان روزگاران پیشین، و نیز وقایعی است که در زمان‌های گذشته اتفاق افتاده‌اند. همین امر در آینده نیز ادامه خواهد یافت. شناخت و فهم درست تاریخ به ما کمک می‌کند، آینده‌ی خود را بهتر رقم بزنیم و از تکرار اشتباهات نسل‌های گذشته پرهیز کنیم.

میراث گذشته

ما با شناخت گذشته از کیستی، یعنی هویت خود آگاه می‌شویم و به این سطح از آگاهی می‌رسیم که به عنوان فرد، جایگاهمان در

خانواده و جامعه، و به عنوان یک ملت، جایگاهمان در سطح جهانی چیست. ما می‌آموزیم که خانواده‌هایمان از کجا آمده‌اند و چگونه آداب و رسوم و سنت‌ها، از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و تا به امروز به ما رسیده‌اند. میراث گذشته عبارت از تمام آن چیزهایی است که از نسل‌های گذشته، به ما رسیده‌اند و برای آن‌ها ارزش قائلم. این میراث گذشته است که واقعیت‌های زندگی امروز ما را شکل می‌دهد. مردمی که از میراث گذشته‌ی خود جدا شده‌اند، نسبت به فقدان آن دچار غم و اندوهند. آن‌ها کسانی هستند که قادر به درک و فهم فرهنگ، زبان و سنت‌های گذشته‌ی خود نیستند.

مورخان

مورخان به ما نشان می‌دهند که گذشته چگونه بوده است. آن‌ها می‌کوشند نشان دهند، در گذشته به درستی چه اتفاق افتاده است. آن‌ها برای این که وقایع و رویدادهای گذشته را بهتر بفهمند، ابتدا به سراغ «منابع» می‌روند. منابع، اعم از مکتوب و غیرمکتوب، به مورخان کمک می‌کنند وقایع گذشته و نیز اندیشه‌های مردمان گذشته را بهتر بفهمند.

مورخان، با استفاده از منابع تلاش می‌کنند، به درک روشنی از گذشته دست پیدا کنند. آن‌ها گاه با دست یافتن به اسناد و مدارک جدید، در تفسیرهای خود از گذشته تجدیدنظر می‌کنند. هدف اصلی مورخان از بازسازی گذشته این است که بتوانند، تا حد امکان از تاریخ تصویری مبتنی بر حقیقت ارائه کنند.

مورخان به مثابه کارآگاهان

کار مورخ شباهت زیادی به کار کارآگاه دارد. زیرا او نیز هنگام تحقیق به طرح سؤالاتی می‌پردازد و به گردآوری اطلاعات دست می‌زند. او در واقع به دنبال آثار و ردپایی است که آن‌ها را می‌توان به شواهد و مدارک^۱ تعبیر کرد. هم مورخان و هم کارآگاهان، هر دو به دنبال بازسازی گذشته هستند. شواهدی که کارآگاه به دنبال آن است، می‌تواند اثر انگشت و یا هر شیء به‌جامانده در صحنه‌ی وقوع جرم باشد. اما شواهدی که مورخ به دنبال آن‌هاست، چیزهایی هستند که درباره‌ی تجربه‌های زندگی مردم در روزگاران گذشته، اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهند؛ نظیر ابزارها، سلاح‌ها، یک دفترچه‌ی یادداشت، یک نقاشی، یک مجسمه، یک اسباب‌بازی، یک سند رسمی و یا گفت‌وگو یا کسی که خود از نزدیک شاهد وقوع رخدادی بوده است، و از این قبیل موارد دیگر.

مورخان، با استفاده از منابع متنوع و گوناگون می‌کوشند، گذشته را به درستی و به دقت بازسازی کنند. منابع می‌توانند گویای زندگی افراد و یا وقایع رویداده در جامعه باشند. مورخان، با مطالعه در چیزهایی نظیر ابزارها، سفال‌ها، جواهرات و غیره می‌توانند، از

زندگی روزمره در یک جامعه‌ی خاص آگاهی یابند. منابع مکتوب و هنری نظیر کتیبه‌ها، نقاشی‌های روی دیوار غارها، و طرح‌های روی سکه‌ها می‌توانند، حاوی آگاهی‌های مفیدی راجع به زندگی روزانه‌ی مردم، وقوع اندیشه‌ها و عقاید آن‌ها باشند.

مورخان چگونه عمل می‌کنند؟

مورخان معمولاً جستار خود را با طرح سؤال‌هایی که راهنمای عمل آن‌هاست، شروع می‌کنند. آن‌ها ابتدا به این موضوع می‌پردازند که راجع به وقایع، اشخاص و یا دوره‌ی زمانی خاص، چه چیزهایی می‌دانند و در نتیجه، باید به دنبال چیزی باشند که بر آن‌ها نامعلوم است. مورخان برای پیش بردن صحیح تحقیقی که قصد شروع آن را دارند، همانند کارآگاهان به طرح سؤال‌هایی از این دست می‌پردازند:

● چه چیزی اتفاق افتاده است؟

● در کجا اتفاق افتاده است؟

● کی (چه زمانی) اتفاق افتاده است؟

● چگونه اتفاق افتاده است؟

● چرا اتفاق افتاده است؟

● توسط چه کسی اتفاق افتاده است؟

مورخان بعد از طرح این سؤال‌ها، به صورت‌بندی نقطه‌نظرات خود می‌پردازند و می‌کوشند تا جوابی در خور برای سؤال‌های مزبور پیدا کنند. به نقطه‌نظری که آن‌ها در بادی امر مطرح می‌کنند، به اصطلاح فرضیه گفته می‌شود. درست به همان میزان که جستار و پژوهش پیش می‌رود، فرضیه نیز به‌طور مداوم در معرض آزمون قرار می‌گیرد تا صحت و سقم آن با داده‌های منابع تاریخی سنجیده شود. مورخان، بنابر آنچه که از منابع دریافت می‌کنند، ممکن است بارها در فرضیه‌های خود تجدیدنظر کنند؛ زیرا آن‌ها می‌کوشند؛ تبیینی از گذشته ارائه کنند که با شواهد و مدارک تاریخی هم‌خوانی داشته باشد.

راست، دروغ یا چیزی میان این دو؟

شخصی که در دربار حضور دارد، شاهده‌ی است که گفتار و نوشتارش می‌تواند به عنوان یک منبع تلقی شود. مورخان می‌کوشند، صحت و درستی مطالب چنین شاهده‌ی را بسنجند. اما باید دانست که اگر گفتار و نوشتار چنین شاهده‌ی زیر سؤال برود، در صورتی که در قید حیات باشد، می‌تواند واکنش نشان دهد. اما همیشه این‌گونه نیست که مورخان بتوانند از شاهدان زنده کسب اطلاعات کنند، بلکه غالباً اسناد و مدارک آن‌ها مربوط به شاهدانی است که صدها سال پیش، از دنیا رفته‌اند. پس در دقت و صحت منابع، مسائلی از این قبیل وجود دارند:

● شاهده‌ی که از نقطه‌ای از واقعه، ناظر آن بوده، ممکن است همه‌ی

جوانب واقعه را به وضوح ندیده باشد.

● ممکن است، شاهدان متعددی یک واقعه را ببینند و هریک

تصویری متفاوت با دیگری از واقعه ارائه کنند.

● بعضی شاهدان ممکن است فقط تکرار کننده‌ی مطالبی باشند که دیگران به آن گفته‌اند و در نتیجه خود شخصاً از کم‌وکیف واقعه آگاه نباشند.

● گاه ممکن است یک شاهد تعمداً با دروغ‌گویی تصویری غلط و ناصحیح از یک واقعه ارائه کرده باشد.

● شاهدان ممکن است نسبت به بعضی اشخاص و یا گروه‌ها غرض‌ورزی و جانبداری پیشه کنند. البته این امکان هست که خود شاهدان از اتخاذ چنین رویه‌ای آگاه نباشند، اما این امری است که در نحوه‌ی گزارش آن‌ها از واقعه نمود می‌یابد.

● بعضی شاهدان ممکن است با عطف توجه به جنبه‌هایی از یک واقعه، روایتی کوتاه و ناقص از آن ارائه کنند. چنین روایتی که ناقص است، می‌تواند تصویری کاملاً متفاوت از واقعیت در اختیار قرار دهد.

مورخان پیش از آن‌که به آگاهی‌های مأخوذ از منابع اعتماد کنند، می‌کوشند ابتدا منابع را نقد و بررسی کنند و صحت و سقم مطالب آن‌ها را دریابند. آن‌ها به این منظور منابع را با یکدیگر مقایسه می‌کنند که به منابع قابل اطمینان دست یابند.

مورخان بعد از تکمیل پژوهش خود امیدوارند، به شواهد کافی برای اثبات نتایج پژوهش دست یابند. آن‌ها با انتشار پژوهش خود، در واقع دیگران را در پژوهش انجام شده شریک می‌کنند. به این معنی که به دیگران فرصت را می‌دهند، حاصل کار آنان را بخوانند و صادقانه ارزیابی کنند. آن‌ها اغلب با پژوهش خود نشان می‌دهند که چه حوزه‌هایی هنوز در مورد تحقیق قرار نگرفته‌اند و نیاز به تحقیقات بیش‌تری است.

زیرنویس

1. evidence

2. prejudice

